

The Impact of the Business Environment on Entrepreneurship Development and Economic Growth in Developing Countries



Mozhgan Alizade¹, *Ali Karshenasan², Masoud Kheirandish³, Mohsen Mohammadi khyareh⁴

1. MA in Entrepreneurship Management, Faculty of Humanities, Gonbad Kavous University, Gonbad Kavous, Iran
2. Assistant Professor, Department of Administrative and Economics, Faculty of Humanities, Gonbad Kavous University, Gonbad Kavous, Iran
3. Assistant Professor, Department of Administrative and Economics, Faculty of Humanities, Gonbad Kavous University, Gonbad Kavous, Iran
4. Assistant Professor, Department of Administrative and Economics, Faculty of Humanities, Gonbad Kavous University, Gonbad Kavous, Iran



Citation: Alizade, M., Karshenasan, A., Kheirandish, M., & Mohammadi khyareh, M. (2021). [The Impact of the Business Environment on Entrepreneurship Development and Economic Growth in Developing Countries]. *Quarterly Journal of the Macro and Strategic Policies*, 8 (4), 716-742. <https://doi.org/10.30507/JMSP.2021.105738>

<https://doi.org/10.30507/JMSP.2021.105738>



Funding: See Page 737

Received: 10/23/2019

Accepted: 04/06/2020

Available Online: 12/21/2020

Article Type: Research Paper

Key words:

Business environment; entrepreneurship development; economic growth; developing countries; simultaneous equation system.

ABSTRACT

Considering the significance of improving business environment and the role of entrepreneurship for economic development, this study aims to investigate the effect of business environment on developing entrepreneurship and economy in developing countries. Therefore, the Simultaneous Equation Model and panel data are used for the data from 2010 to 2015 taken from 20 developing countries, so that the effect of business environment on developing entrepreneurship and economy could be investigated. The findings indicate that the index of business regulations has an indirect significant effect on economic development, while the index of entrepreneurship, foreign direct investment, labor, and gross fixed capital formation has a direct significant effect on economic development. In addition, the index of business regulations, government's expenditures in education, and economic growth rate have a direct significant effect on the entrepreneurship of the developing countries. As a result, the findings from these international data regarding developing countries show that there has to be a developing strategic plan for improving institutional and legal environment indexes for the sake of improving business environment. To develop entrepreneurship, modifying educational curriculum at the general and professional level should be taken into consideration, training creative entrepreneurs for establishing appropriate businesses.

JEL Classification: O43, O44, O47, E02, L26

* Corresponding Author:

Ali Karshenasan, PhD

Address: Faculty of Humanities, Gonbad Kavous University, Gonbad Kavous

Tel: +98 (912) 7354905

E-mail: karshenasan@gonbad.ac.ir

تأثیر محیط کسب و کار بر توسعه کارآفرینی و رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه

مژگان عزیززاده^۱،* علی کارشناسان^۲، مسعود خیراندیش^۳، محسن محمدی خیاره^۴

۱. کارشناسی ارشد مدیریت کارآفرینی گرایش خدمات کشاورزی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه گنبد کاووس، گنبد کاووس، ایران
۲. استادیار گروه علوم اداری و اقتصادی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه گنبد کاووس، گنبد کاووس، ایران
۳. استادیار علوم اداری و اقتصادی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه گنبد کاووس، گنبد کاووس، ایران
۴. استادیار علوم اداری و اقتصادی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه گنبد کاووس، گنبد کاووس، ایران

چکیده

تاریخ دریافت: ۱۰ آبان ۱۳۹۸

تاریخ پذیرش: ۱۸ فروردین ۱۳۹۹

تاریخ انتشار: ۱ دی ۱۳۹۹

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

کلیدواژه‌ها:

تجارت، منابع انسانی، رشد اقتصادی، توسعه اقتصادی.

با توجه به ضرورت روان‌سازی و تسهیل فضای کسب و کار و نقش کارآفرینی در رشد اقتصادی، هدف اصلی در این پژوهش بررسی تأثیر فضای کسب و کار بر توسعه کارآفرینی و رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه است. بدین منظور، پژوهش حاضر با به کارگیری سیستم معادلات هم‌زمان و داده‌های تابلویی طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ م برای منتخبی از ۲۰ کشور در حال توسعه، به صورت تجربی تأثیر متغیرهای محیط کسب و کار بر توسعه کارآفرینی و رشد اقتصادی تحلیل شده است. یافته‌های تجربی پژوهش بیانگر این است که شاخص مقررات کسب و کار به طور غیرمستقیم و شاخص کارآفرینی نوپا، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، نیروی کار و تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی به طور مستقیم تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب دارد. علاوه بر این، شاخص مقررات کسب و کار، هزینه دولت در آموزش و نرخ رشد اقتصادی دارای تأثیر مثبت و معنادار بر کارآفرینی در کشورهای در حال توسعه است. بنابراین بر مبنای یافته‌های پژوهش که مبتنی بر اطلاعات مستند بین‌المللی در دامنه گسترده‌ای از کشورهای در حال توسعه است، بر ضرورت برنامه‌ریزی راهبردی توسعه‌گرا به منظور بهبود شاخص‌های محیط نهادی و قانونی در جهت تسهیل فضای کسب و کار مورد تأکید می‌شود. در راستای توسعه کارآفرینی، همچنین اصلاح و تغییر برنامه‌های آموزش عمومی و حرفه‌ای و تخصصی با رویکرد تربیت کارآفرینان خلاق و توانمند می‌تواند شرایط مناسب جهت ظهور کسب و کارهای کارآفرینانه، به‌ویژه فناوری‌محور، را فراهم کند.

طبقه‌بندی JEL: O43, O44, O47, E02, L26

* نویسنده مسئول:

دکتر علی کارشناسان

نشانی: گنبد کاووس، دانشگاه گنبد کاووس، دانشکده علوم انسانی

تلفن: ۰۵۴۹۰۵۷۳۵ (۹۱۲) ۰۹۸

پست الکترونیک: karshenasan@gonbad.ac.ir

۱. مقدمه

الگوهای رشد اقتصادی رشد کمی ارزش تولید و درآمدی کشورها را یک بُعد از اهداف توسعه‌ای معرفی می‌کنند و عوامل مؤثر بر آن را در جوامع و مقاطع زمانی مختلف تحلیل می‌نمایند. این نظریات در ادبیات علم اقتصاد، عناصر کلاسیک نیروی کار، سرمایه فیزیکی و تغییرات تکنولوژی را عامل رشد معرفی کرده‌اند. اما مطالعات تجربی نشان داده است که کشورها، با وجود نیروی کار و سرمایه فیزیکی، به دلیل ضعف در انسجام ترتیبات نهادی و ناکارآمدی و ناکافی بودن نهادهای حمایت‌کننده بخش تولید و توزیع، از رشد اقتصادی پایدار و فراگیر بازمانده‌اند. بنابراین عامل دیگری که در نظریات جدید رشد اقتصادی بر آن تأکید شده، کیفیت فضای کسب‌وکار است (Rodrik, Subramanian & Trebbi, 2004, pp. 131-165). از این رو برای مواجهه مطلوب با چالش‌های رشد، کشورها نیازمند فضای کسب‌وکار مناسب هستند. فضای کسب‌وکار مطلوب از اقتصاد بازاری حمایت می‌کند، با کاهش هزینه‌های معاملاتی^۱ و ایجاد اعتماد، معاملات را تسهیل می‌نماید و به حمایت از حقوق مالکیت افراد می‌پردازد (Shirley, 2008, pp. 611-638) و با ایجاد فضای انگیزشی، به جذب بیشتر سرمایه‌گذاران و کارآفرینان کمک می‌کند؛ زیرا کارآفرینان در محیط امن سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بهتر می‌توانند وارد فعالیتهای اقتصادی شوند و فرصت‌های جدید سودآور را در بازار ایجاد کنند. از طرفی فرصت‌های سودمند در مکان‌هایی یافت می‌شود که کارآفرینان زیرک وجود دارند تا نیل به رشد اقتصادی فراوان میسر شود؛ زیرا کارآفرینان مذکور می‌توانند تغییرات اساسی‌ای را پدید آورند که موجب ایجاد فرصت‌های بیشتر کارآفرینی شود. بنابراین توسعه کارآفرینی فرصت‌های جدید کسب‌وکار و در نتیجه کارآفرینی‌های بیشتری را پدید می‌آورد و این عمل حرکتی سیال، پایدار و همیشگی به سمت رشد اقتصادی است (Holcombe, 1998, pp. 45-62).

اقتصاددانان از دهه‌های گذشته به دنبال عوامل اثرگذار بر رشد بوده و در این راستا الگوها و نظریات مختلفی را به همراه متغیرهای کلیدی نیز ارائه داده‌اند؛ از جمله الگوی رشد اقتصادی سولو^۲ (1956, pp. 65-94) که به مثابه الگوی تکامل یافته نئوکلاسیک رشد برون‌زا ارائه می‌شود. نتیجه‌گیری اصلی الگوی سولو این است که انباشت سرمایه فیزیکی نمی‌تواند رشد فوق‌العاده در تولید سرانه یا تفاوت‌های جغرافیایی تولید سرانه را توضیح دهد. وی با تحلیل رفتار تولید براساس متغیرهایی مانند سرمایه فیزیکی و نیروی کار، موتور رشد اقتصاد را رشد فناوری می‌داند (ibid.). همچنین ژوزف شومپتر^۳ (1934, pp. 128-150) معتقد بود رشد اقتصادی در فضای اجتماعی پرورنده کارآفرینی اتفاق می‌افتد. گروهی از اقتصاددانان

1. transaction costs
2. Solow
3. Joseph Schumpeter

از جمله رومر^۴ (1986, pp. 1002-1037)، لوکاس^۵ (1988, pp. 3-42)، مانکی، رومر و ویل^۶ (1992, pp. 407-437) بحث ایده، دانش و سرمایه انسانی را وارد مباحث رشد نموده و الگوهای را ارائه کرده‌اند که به مدل‌های رشد درون‌زا معروف شده است. با وارد شدن سرمایه انسانی به الگوی رشد، علت تفاوت درآمد سرانه کشورها توجیه پذیرتر شد؛ ولی همچنان اشکالاتی در این زمینه وجود داشت. برای مثال طبق مدل رشد رومر (1990, pp. 71-102)، اگر کشوری منابع بیشتری را به نوآوری اختصاص دهد، مرفه‌تر است؛ اما چرایی آن را توضیح نمی‌داد. لذا نگاه‌ها به تدریج به سوی نهادها جلب شد. داگلاس نورث^۷ و نهادگرایان پیرو وی بر نقش و ضرورت محیط نهادی و ترتیبات آن در تسهیل کسب‌وکار و در نتیجه رشد و توسعه اقتصادی تأکید می‌کنند (Acemoglu, Johnson & Robinson, 2005, pp. 385-472). نهادگرایی همچون هال و جونز^۸ (1999, pp. 83-116) و عاصم‌اوغلو^۹ و دیگران (2001, pp. 1369-1401) تفاوت در نهادهای سیاسی و قانونی حاکم بر جوامع را عامل مهم تفاوت در رشد اقتصادی کشورها مطرح کرده‌اند. لذا نهادگرایی از اولین مکاتبی بود که از نگاه نهادی به بررسی فضای کسب‌وکار بنگاه‌ها پرداخت و آن را عامل مؤثر بر رشد اقتصادی معرفی کرد. از طرفی محیطی که اقتصاد را شکل می‌دهد، بر پویایی‌های کارآفرینی در درون هر کشور اثر می‌گذارد. این محیط از طریق وابستگی‌های متقابل بین رشد اقتصادی و نهادها شناخته می‌شود که بر سایر مشخصات مانند کیفیت حکمرانی، دسترسی به سرمایه و سایر منابع و بر ادراکات کارآفرینان اثر می‌گذارد. نورث (1990, pp. 320-338) و ویلیامسون^{۱۰} (1998, pp. 75-79) نهادها را تعیین‌کننده‌های اساسی رفتار اقتصادی و مبادلات اقتصادی می‌دانند که آثار مستقیم و غیرمستقیمی بر عرضه و تقاضای کارآفرینان می‌گذارد. در واقع تا زمانی که روابط اقتصادی در حوزه‌ای برقرار شود که هزینه‌های معاملاتی مهم باشد، معناداری متغیرهای محیط کسب‌وکار در تصمیم‌گیری برای اشتغال به فعالیت‌های کارآفرینانه اهمیت خواهد داشت. نورث (1994, pp. 359-36) معتقد است هزینه‌های تعیین و تنفیذ قراردادهای و هزینه‌های کسب اطلاعات درباره شرایط متغیر بازار، بر کیفیت محیط کسب‌وکار اثر می‌گذارد و کیفیت محیط کسب‌وکار نیز از این طریق فعالیت کارآفرینی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. آثار نورث (ibid.) بینش‌های نظری مهمی را درباره توسعه کارآفرینی در محیط‌های مختلف کسب‌وکار فراهم می‌کند. کارآفرینان عاملان اصلی تغییر هستند. سازمان‌هایی مانند بنگاه‌ها که توسط کارآفرینان تشکیل می‌شوند، فعالیت‌ها و استراتژی‌های خود را متناسب با فرصت‌ها و محدودیت‌های موجود در چارچوب

-
4. Romer
 5. Lucas
 6. Manki, Romer & Weil
 7. Douglas North
 8. Hall & Jones
 9. Acemoglu
 10. Williamson

نهادی رسمی و غیررسمی منطبق می‌کنند. **آماگاس و ایبورک**^{۱۱} (2013, pp. 153-162) نیز در مطالعات خود در زمینه رابطه بین زمینه‌های محیط کسب‌وکار، کارآفرینی و رشد اقتصادی می‌گویند که سرمایه و دانش، به‌عنوان مؤلفه‌های اولیه ایجاد کارآفرینی، در بسترها و زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تقویت می‌شوند و به‌وسیله ایجاد اشتغال، افزایش رقابت، پیشرفت تکنولوژی و ارتقای بهره‌وری موجبات رشد اقتصادی بالاتر را برای جامعه فراهم می‌سازند.

توسعه کارآفرینی ابزار اصلی رشد اقتصادی است و با روش‌های مختلف، رشد اقتصادی را متأثر می‌سازد؛ ازجمله انتشار دانش، خلاقیت و نوآوری، افزایش رقابت و تنوع‌بخشی به کالاها و خدمات تولیدی در دسترس جامعه. همچنین توسعه کارآفرینی با مکانیسم‌های دربرگیرنده ایجاد شغل، معرفی نوآوری‌ها در حوزه‌های مختلف و تقویت بهره‌وری اقتصادی، موجبات انباشت دانش بشری به‌واسطه بروز نوآوری‌های نوین و همچنین شناسایی ترجیحات مصرف‌کنندگان جامعه به‌وسیله عرضه تنوع گسترده‌ای از محصولات را فراهم می‌کند (Acs, Audretsch, Braunerhjelm & Carlsson, 2005; Van Stel, Storey & Thurik, 2007; Van Stel, Carree & Thurik, 2004). فریتسچ^{۱۲} (۲۰۰۸) چندین مکانیسم را که از طریق آن‌ها کارآفرینی تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی می‌گذارد، شناسایی می‌کند. کارآفرینی می‌تواند ۱. فشار بر ارتقای کارایی نسبت به کسب‌وکارهای موجود، از طریق مسابقه یا رقابت در شرایط بازاری موجود را موجب شود؛ ۲. شتاب در سرعت تخریب خلاق را ایجاد کند، جایی که بنگاه‌های جدید تغییرات صنعتی را با جایگزین شدن در کسب‌وکارهای موجود هدایت می‌کنند؛ ۳. تحریک نوآوری در صنایع و در نتیجه آن جذب تقاضای جدید و باز شدن بازارهای جدید را فراهم سازد؛ ۴. به فراهم کردن تنوع گسترده‌تری از محصولات جدید، خدمات و فرایندهایی بینجامد که برای بنگاه‌های موجود در دسترس باشند.

۲. پیشینه تحقیق

۱-۱. مطالعات خارجی

دجانکو، ملیچ و رامالهو^{۱۳} (۲۰۰۶) در مقاله‌ای به بررسی رابطه مقررات کسب‌وکار و رشد اقتصادی در ۱۳۵ کشور در حال توسعه طی سال‌های ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۲ م با استفاده از متغیرهای رشد GDP سرانه و شاخص مقررات کسب‌وکار پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که کشورهای با مقررات بهتر، از رشد سریع‌تری برخوردارند؛ همچنین بهبود مقررات کسب‌وکار از بدترین حالت به بهترین حالت، باعث افزایش ۲/۳ درصدی رشد سالیانه می‌شود.

11. Amaghouss & Ibourk

12. Fritsch

13. Djankov, McLiesh & Ramalho

داسون^{۱۴} (۲۰۰۶)، گیلاندرز و ولن^{۱۵} (۲۰۱۰)، حیدر^{۱۶} (۲۰۱۲) و هانچ^{۱۷} (۲۰۱۲) با انجام پژوهش‌های تجربی رابطه مقررات کسب‌وکار و رشد اقتصادی را بررسی کرده‌اند. یافته‌های پژوهش‌های آن‌ها مؤید تأثیر مثبت اصلاحات در مقررات کسب‌وکار و به عبارت دیگر مقررات‌زدایی و حذف قوانین زاید بر رشد اقتصادی است.

مسود و تهنی^{۱۸} (۲۰۱۴) به بررسی رابطه بین مقررات کسب‌وکار و رشد اقتصادی در ۱۶۲ کشور در دوره زمانی ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۱ م به روش رگرسیونی حداقل مربعات معمولی (OLS) پرداختند. آن‌ها از ۱۰ شاخص کسب‌وکار و مجموعه‌ای از متغیرهای کنترل استفاده کردند. نتایج تحقیقشان نشان می‌دهد بهبود محیط کسب‌وکار می‌تواند به رشد سریع‌تر کشورهای فقیر کمک کند.

با مرور مطالعات تجربی درخصوص رابطه توسعه کارآفرینی با رشد اقتصادی، وان استل و دیگران (۲۰۰۴)، لی یانگ و زنگ^{۱۹} (۲۰۰۹)، مارتین، پیکاسو و ناوارو^{۲۰} (۲۰۱۰) و آماگاس و ایبورک (۲۰۱۳) نتایج مشابهی را در تأثیر مثبت کارآفرینی بر رشد اقتصادی در قالب مدل‌های بین‌کشوری و رویکرد داده‌های تابلویی به‌دست آوردند.

گالیندو و مندز^{۲۱} (۲۰۱۴) در مقاله‌ای عوامل مؤثر بر کارآفرینی، نوآوری و رشد اقتصادی را بررسی کردند. این مقاله با تجزیه و تحلیل تجربی از فعالیت‌های کارآفرینی در ۱۳ کشور توسعه‌یافته و با استفاده از داده‌های پانل با روش اثرات ثابت، برای دوره ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷ م نشان می‌دهد سیاست‌های پولی و فضای اجتماعی مناسب اثرات مثبتی بر کارآفرینی و نوآوری دارد؛ به‌گونه‌ای که مدیریت بهینه بخش پولی فعالیت‌های کارآفرینی و نوآوری را تشویق می‌کند.

یوربانو و آپاریسیو^{۲۲} (۲۰۱۶) اثر انواع سرمایه کارآفرینی را بر رشد اقتصادی ۴۳ کشور عضو گروه OECD و کشورهای غیرعضو در طی دوره زمانی ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۲ م به روش داده‌های تابلویی بررسی کردند. نتایج نشان می‌دهد بین کل فعالیت‌های کارآفرینی^{۲۳} (TEA) و رشد اقتصادی

-
14. Dawson
 15. Gillanders & Whelan
 16. Haidar
 17. Hanusch
 18. Messaoud & Teheni
 19. Li, Yang, Yao & Zhang
 20. Martin, Picazo & Navarro
 21. Galindo & Méndez
 22. Urbano & Aparicio

۲۳. این شاخص براساس ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مانند جنسیت و سن، و همچنین اثرات یا نتایج کسب‌وکارهای نوپا مانند

رابطه مثبت وجود دارد.

تحقیقات مربوط به رابطه محیط کسب‌وکار و کارآفرینی، از جمله الکساندرووا^{۲۴} (۲۰۰۴)، وان استل و دیگران (۲۰۰۷)، آیدیس، استرین و میکویچ^{۲۵} (۲۰۰۸)، نیسترام^{۲۶} (۲۰۱۰) و کلایپر و لاو^{۲۷} (۲۰۱۱)، بیان می‌کند بین کارآفرینی و کارایی قوانین و مقررات رابطه مثبت وجود دارد و کشورهایی با محیط کسب‌وکار نسبتاً ضعیف‌تر به اصلاحات نسبتاً بزرگ‌تر به‌منظور رشد شرکت‌های جدید و کارآفرینی نیاز دارند.

آپاریسیو، یوربانو و ادریچ^{۲۸} (۲۰۱۶) در مقاله‌ای با عنوان «عوامل نهادی، فرصت‌های کارآفرینی و رشد اقتصادی» با استفاده از روش حداقل مربعات سه‌مرحله‌ای از طریق داده‌های پانل، عوامل نهادی را که فرصت‌های کارآفرینی را تشویق می‌کند تا به نرخ رشد اقتصادی بالاتر دست یابد، در ۴۳ کشور (۲۰۰۴-۲۰۱۲م) شناسایی کرده‌اند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد نهادهای غیررسمی در مقایسه با نهادهای رسمی تأثیر بیشتری در فرصت‌های کارآفرینی دارند و متغیرهایی مانند تعداد مراحل دخیل در شروع یک کسب‌وکار و پوشش بیمه خصوصی برای دستیابی به اعتبار تأثیر مثبتی بر کارآفرینی و در نتیجه رشد اقتصادی در کشورهای منتخب، به‌خصوص در کشورهای امریکای لاتین، دارد.

۲-۲. مطالعات داخلی

بختیاری و شایسته (۱۳۹۱) در مقاله‌ای به بررسی رابطه بین بهبود فضای کسب‌وکار ایران در مقایسه با دیگر کشورهای جهان و رشد اقتصادی با استفاده از روش داده‌های تابلویی طی دوره زمانی ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۰ پرداخته‌اند. یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد بهبود فضای کسب‌وکار رابطه مثبت و معناداری با رشد اقتصادی در کشورهای مورد بررسی داشته است.

نجاززاده نوش‌آبادی، مهران‌فر و طبرسی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «نقش کارآفرینی مولد و غیرمولد در رشد اقتصادی»، نقش کارآفرینی مولد و غیرمولد در رشد اقتصادی کشورها را از طریق دو شاخص خوداشتغالی به‌عنوان شاخصی برای کارآفرینی غیرمولد و نوآوری به‌عنوان شاخصی برای کارآفرینی مولد ارزیابی کرده‌اند. نتایج حاصل از تخمین الگوی رگرسیونی برای ۶۰ کشور منتخب توسعه‌یافته و در حال توسعه برای دوره ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۸م با

رشد، نوآوری و صادرات و حتی برحسب بخش‌های مختلف اقتصادی قابل محاسبه است و به فعالیت‌های کارآفرینانه نوظهور و جدید در بین جمعیت بزرگ‌سال (۱۸ تا ۶۴ سال) اشاره می‌کند (زالی و دیگران، ۱۳۹۴).

24. Alexandrova

25. Aidis, Estrin & Mickiewicz

26. Nystrom

27. Klapper & love

28. Aparicio, Urbano & Audretsch

استفاده از روش داده‌های تابلویی نشان می‌دهد خوداشتغالی اثر منفی و نوآوری اثر مثبت بر رشد اقتصادی دارد و لازمه نیل به رشد اقتصادی بلندمدت، کارآفرینی بر مبنای نوآوری است.

حسین‌زاده بحرینی، فلاحی و عرفانی جهان‌شاهی (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «تأثیر مقررات کسب‌وکار بر رشد اقتصادی» به این مطلب اشاره می‌کنند که امروزه بنگاه‌های اقتصادی در راه‌اندازی، به‌کارگیری عوامل تولید و دیگر مراحل کسب‌وکار با قوانین و مقررات زیادی مواجه‌اند. به‌نظر آن‌ها، مقررات دست‌وپاگیر اداری در محیط کسب‌وکار یکی از موانع مهم تولید و سرمایه‌گذاری محسوب می‌شود. آن‌ها معتقدند در کشورهای مختلف جهان، بهبود محیط کسب‌وکار و رفع موانع بخش خصوصی راهبردی اقتصادی شناخته شده است. نویسندگان با توجه به اهمیت موضوع، جهت بررسی تأثیر قوانین و مقررات کسب‌وکار بر رشد اقتصادی، شاخصی را با عنوان «سختی مقررات کسب‌وکار» با استفاده از داده‌های بانک جهانی ساخته‌اند. نتایج حاصل از برآورد الگو به روش داده‌های تابلویی برای ۶۲ کشور طی سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶ نشان می‌دهد مقررات سخت و پیچیده کسب‌وکار بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب تأثیر منفی می‌گذارد.

صباحی، ناجی‌میدانی و سلمیانی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای به بررسی اثر کارآفرینی بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب با استفاده از داده‌های سال ۲۰۰۸ و مدل رشد درون‌زای رومر و به روش حداقل مربعات معمولی پرداخته‌اند که یافته‌های آن‌ها حاکی از اثر معنادار کارآفرینی بر رشد اقتصادی است. در واقع نتایج تحقیق آن‌ها نشان می‌دهد در کشورهای با درآمد سرانه بالا، اثر کارآفرینی بر رشد اقتصادی مثبت و در کشورهای کم‌درآمد و فقیر این اثر منفی است.

عبداللهی، مهربانی و بصیرت (۱۳۹۲) اثر شاخص‌های فضای کسب‌وکار بر رشد اقتصادی ایران و مقایسه آن با کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۱ را موضوع پژوهش خود قرار دادند. آن‌ها در مقاله خود به دنبال بررسی وضعیت فضای کسب‌وکار در ایران و مقایسه آن با کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی و تحلیل اثر شاخص‌های فضای کسب‌وکار بر رشد اقتصادی ایران و کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی بوده‌اند. پژوهش آن‌ها بر اساس روش تحلیلی با استفاده از تکنیک‌های اقتصادسنجی و اطلاعات آماری بانک جهانی و سایت محیط کسب‌وکار است. نتایج پژوهش حاکی از اثرگذاری بیشتر شاخص‌های حمایت از سهام‌داران خرد، اخذ اعتبار و اجرای قراردادهای بر رشد اقتصادی کشورهای مورد بررسی است که توجه به این شاخص‌ها و بهبود آن‌ها تأثیر بسزایی در رشد اقتصادی کشورهای مورد بررسی دارد.

دهقان‌شبابی و آفرینش‌فر (۱۳۹۴) تأثیر فضای کسب‌وکار بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران و ۲۸ کشور منتخب را با استفاده از روش سیستمی گشتاور تعمیم‌یافته

در داده‌های تابلویی بررسی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که با بهبود ثبات سیاسی، کنترل فساد، جهانی شدن اقتصادی، شروع کسب‌وکار، حمایت از سرمایه‌گذار، الزام‌آورتر بودن قراردادهای تعطیلی کسب‌وکار، پرداخت مالیات و تولید ناخالص داخلی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی افزایش می‌یابد.

حکمتی‌فرید، محمدزاده و خزالی (۱۳۹۵) با استفاده از داده‌های تابلویی سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۳ اثر شاخص‌های فضای کسب‌وکار و مالکیت فکری بر رشد اقتصادی کشورهای با درآمد متوسط به بالا را مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که شاخص‌های فضای کسب‌وکار شامل شاخص‌های اخذ مجوز، شروع به کار و اخذ تسهیلات تأثیر مثبت و معنادار بر رشد اقتصادی دارد. همچنین شاخص حقوق مالکیت فکری، شاخص‌های حکمرانی خوب (شامل کیفیت قوانین و ثبات سیاسی)، سرمایه ثابت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دارای تأثیر مثبت و معنادار بر تولید سرانه کشورهای با درآمد متوسط به بالاست.

مهربانی، عبداللهی و بصیرت (۱۳۹۵) به ارزیابی اثر شاخص‌های فضای کسب‌وکار بر رشد اقتصادی برای یک نمونه منتخب از ۴۴ کشور عضو منا و سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه طی دوره زمانی ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۲ م با استفاده از روش گشتاور تعمیم‌یافته پرداختند. نتایج این بررسی گویای آن است که رشد اقتصادی ایران به دلیل فقدان محیط کسب‌وکار مناسب شرایط مناسبی ندارد. از سوی دیگر بررسی شاخص‌های فضای کسب‌وکار نشان می‌دهد این شاخص‌ها در ایران در مقایسه با کشورهای منتخب از جایگاه مناسبی برخوردار نیست. همچنین بررسی حاضر بیانگر وجود رابطه مثبت و معنادار بین بهبود فضای کسب‌وکار و رشد اقتصادی است. در مورد کشورهای منا، از بین شاخص‌های فضای کسب‌وکار، بیشترین اثر بر رشد اقتصادی مربوط به شاخص انحلال (۰/۱۸) و کمترین اثر مربوط به شاخص تجارت فرامرزی (۰/۲۷) است. این در حالی است که برای کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه بیشترین اثر مربوط به شاخص شروع کسب‌وکار (۰/۳۵) و کمترین اثر مربوط به شاخص پرداخت مالیات (۰/۱۲) است؛ در حالی که شاخص پرداخت مالیات برای کشورهای منا دارای اثر منفی (۰/۲۳-) بر رشد اقتصادی است؛ زیرا با بدتر شدن فضای کسب‌وکار، رشد اقتصادی کاهش می‌یابد.

۳. روش تحقیق، معرفی مدل و متغیرها

این پژوهش از نظر هدف کاربردی است و از نظر روش، تحلیلی - استنباطی. از مراجع اطلاعاتی و داده‌های مراکز آمار رسمی بین‌المللی مانند بانک جهانی،^{۲۹} گزارش‌های دیده‌بان جهانی

29. www.worldbank.org

کارآفرینی،^{۳۰} سایت فضای کسب‌وکار،^{۳۱} مطالعات کتابخانه‌ای و... استفاده شده است. داده‌های مربوط به محیط کسب‌وکار از بانک جهانی و سایت فضای کسب‌وکار و داده‌های مربوط به کارآفرینی از گزارش‌های دیده‌بان جهانی کارآفرینی در دوره زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ استخراج شده است.

۳-۱. آمار توصیفی

به‌منظور بررسی و تجزیه و تحلیل اولیه داده‌ها، اطلاعات مربوط به آماره‌های توصیفی متغیرهای مدل مورد مطالعه در این پژوهش در ادامه ارائه شده است.

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	شاخص مقررات کسب‌وکار	شاخص کارآفرینی نوپا	نرخ رشد اقتصادی	سرمایه گذاری مستقیم خارجی	سرمایه ثابت	کل نیروی کار	هزینه دولت در آموزش
میانگین	۶۱/۶۲	۶۵/۱۴	۶۲/۳	۶۳/۲	۱۸/۲۴	۰۰/۶۲۸۷۸۸۲۶	۳۷/۱۶
میانه	۵۶/۶۴	۷۲/۱۳	۵۳/۳	۳۰/۲	۲۳/۳۷	۰۰/۱۷۴۸۰۵۴۹	۲۳/۱۶
ماکسیمم	۸۱/۲۰	۳۵/۹۷	۸۱/۱۱	۷۹/۱۲	۷۶/۴۵	۰۰/۸۰۶۴۹۸۵۲۱	۶۳/۲۲
مینیمم	۰۹/۳۷	۹۳/۲	-۶/۶۱	۹۸/۵-	۳۴/۱۰	۹۳۸۵۶۲/۰۰	۸/۳۳
انحراف معیار	۲۰/۹	۷/۴۳	۳/۰۷	۲/۶۲	۷/۰۴	۱۷۱۰۰۰۰۰۰/۰۰	۳.۷۵
تعداد مشاهدات	۱۲۰	۱۰۴	۱۱۹	۱۱۹	۱۱۳	۱۰۰	۵۰

فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان

جدول فوق شاخص‌های مرکزی از قبیل میانگین، میانه، بیشترین داده، کمترین داده، انحراف معیار و تعداد مشاهدات را در خصوص متغیرهای تحقیق نشان می‌دهد. بانک مرکزی درباره شاخص مقررات کسب‌وکار برای هر کشور نمره‌هایی را در نظر گرفته که نشان‌دهنده فاصله هر اقتصاد از مرز ارزیابی است. این مرز، خود نمایانگر بهترین عملکرد در هر یک از شاخص‌های ده‌گانه مقررات کسب‌وکار در تمام اقتصادهاست و مقیاس آن بین ۰ تا ۱۰۰ است که شکاف بین عملکرد یک اقتصاد خاص و بهترین عملکرد را نشان می‌دهد و در آن ۰ نشان‌دهنده پایین‌ترین عملکرد و ۱۰۰ نمودار بالاترین عملکرد

30. www.doingbusiness.org

31. www.gemconsortium.org

است. برای مثال نمره ۵۷/۴۳ برای کشور ایران به این معناست که این کشور با کسب نمره ۵۷/۴۳ از ۱۰۰، به همین نسبت از بهترین و مساعدترین مقررات کسب‌وکار فاصله دارد. با توجه به جدول ۱، میانگین متغیر شاخص مقررات کسب‌وکار ۲۰ کشور منتخب پژوهش حاضر ۶۲/۶۱ نمره است که نشان می‌دهد کشورهای منتخب پژوهش در زمینه شاخص مقررات کسب‌وکار در وضعیت متوسطی قرار گرفته‌اند و میانگین شاخص مقررات کسب‌وکار ایران نیز نزدیک به میانگین کشورهای منتخب است. همچنین شاخص کارآفرینی نوپای ۲۰ کشور منتخب پژوهش حاضر ۱۴/۶۵ درصد است که بیان می‌کند درصد شاخص کارآفرینی نوپا در این کشورها پایین است و ایران با میانگین ۱۳/۱۵ درصد، از نظر کارآفرینی نوپا به میانگین کشورهای منتخب نزدیک است. از لحاظ نرخ رشد اقتصادی نیز، میانگین نرخ رشد اقتصادی کشورهای منتخب ۳/۶۲ درصد است که ایران با میانگین نرخ رشد اقتصادی ۱/۲۳ درصد، از میانگین نرخ رشد اقتصادی کشورهای پژوهش پایین‌تر است.

در این تحقیق، برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از روش سیستم معادلات هم‌زمان (۲sls)، با نرم‌افزار آماری و اقتصادسنجی ایویوز^{۳۲} استفاده شده است. براساس مطالعات انجام‌شده به‌منظور برآورد تابع رشد اقتصادی در کشورهای منتخب،^{۳۳} از مدل **دجانکو و دیگران (2006, pp. 395-401)** به‌صورت زیر بهره گرفته شده:

$$C + \beta_1 TEA_{it} + \beta_2 FDI_{it} + \beta_3 CAP_{it} + \beta_4 LFT_{it} + U_{it} = \quad (1)$$

GDP_{it} : رشد اقتصادی در کشور Am در زمان t (نرخ رشد GDP)؛

C : عرض از مبدأ؛

TEA_{it} : شاخص کارآفرینی نوپا در کشور Am در زمان t ؛

FDI_{it} : میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشور Am در زمان t ؛

CAP_{it} : تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی به‌صورت درصدی از GDP؛

32. Eviews

۳۳. انتخاب کشورها به‌عنوان نمونه آماری پژوهش برحسب در دسترس بودن اطلاعات آن کشورها بوده و شامل کشورهای چین، روسیه، آفریقای جنوبی، برزیل، مکزیک، ترکیه، تایلند، مالزی، کلمبیا، مقدونیه، رومانی، بوسنی و هرزگوین، آنگولا، اکوادور و پرو است.

LFT_{it} : کل نیروی کار در کشور t ام در زمان t ام؛

U_{it} : جمله اخلاص در کشور t ام در زمان t ام.

با توجه به اینکه در پژوهش حاضر رابطه دوسویه (یا متقابل) کارآفرینی و رشد اقتصادی بررسی می‌شود، در توضیح این رابطه می‌توان گفت کشورهای که از رشد اقتصادی بالایی برخوردارند، علاوه بر امکانات زیرساختی مناسب و سطح آموزش با کیفیت بالا و کاربردی، فرصت‌های نوآوری و خلاقیت هم برایشان فراهم‌تر است. تقویت مهارت‌های فردی خلاقیت و نوآوری و اعتمادبه‌نفس از دوران طفولیت و پرورش استعدادهاى فرد موجب پرورش کارآفرینان شده است. در واقع از قابلیت‌ها و استعدادهای افراد در جهت اجرایی کردن ایده‌های نوآورانه استفاده می‌کنند که این خود کارآفرینی را در این کشورها افزایش می‌دهد. بنابراین همان‌طور که توسعه کارآفرینی با تقویت تولید و توزیع بهینه محصولات به رشد اقتصادی کشورها کمک می‌کند، افزایش رشد اقتصادی نیز به اعتلای کارآفرینی منجر می‌گردد. بنابراین در این پژوهش از روش ۲SLS استفاده شده است.

در **مدل ۱**، چهار متغیر بررسی شده است: شاخص کارآفرینی نوپا، میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی و کل نیروی کار. در رأس آن‌ها، متغیر وابسته مدل، یعنی نرخ رشد تولید ناخالص داخلی (GDP) که شاخصی برای رشد اقتصادی است، به کار رفته است. در این تحقیق، برای بررسی تأثیر کارآفرینی بر رشد اقتصادی از **مدل ۱** استفاده شده؛ ولی برای بررسی اثربخشی رشد اقتصادی بر کارآفرینی از مدل زیر بهره گرفته شده:

$$TEA = C + \beta_1 GDP_{it} + \beta_2 DB_{it} + \beta_3 ED_{it} + U_{it} \quad (2)$$

GDP_{it} : رشد اقتصادی در کشور t ام در زمان t ام (نرخ رشد GDP)؛

DB_{it} : شاخص مقررات فضای کسب‌وکار در کشور t ام در زمان t ام؛

ED_{it} : هزینه دولت در آموزش در کشور t ام در زمان t ام؛

در این مدل، تأثیر نرخ رشد اقتصادی، شاخص مقررات کسب‌وکار و هزینه دولت در آموزش (به‌عنوان متغیرهای مستقل) بر متغیر وابسته کارآفرینی مطالعه شده است.

۴. یافته‌های تجربی تحقیق

۴-۱. مانایی متغیرها

در روش داده‌های تابلویی که طول دوره سری‌های زمانی آن قابل توجه باشد، برای اطمینان از کاذب نبودن رگرسیون برآوردی، مانایی متغیرهای مدل باید بررسی گردد که در صورت نامانایی، باید آزمون‌های هم‌جمعی نیز ارزیابی شود؛ اما از آنجا که تعداد سال‌های مورد بررسی در این مطالعه در روش پانل دیتا کمتر از حدی است که بتوان مانایی متغیرها را بررسی کرد، به دلیل محدودیت دوره زمانی (۲۰۱۰-۲۰۱۵م) آزمون ریشه واحد لزومی ندارد. لذا به مباحث مانایی و هم‌جمعی در روش پانل دیتا پرداخته نمی‌شود.

۴-۲. پیش‌آزمون‌های داده‌های تابلویی

۴-۲-۱. بررسی آزمون F لیمر

در استفاده از روش داده‌های تابلویی ابتدا باید مشخص شود که تفاوت فردی یا به اصطلاح ناهمگنی در مقاطع وجود دارد یا اینکه مقطع‌ها همگن هستند یا خیر. در برآورد مدل‌های ترکیبی با دو حالت کلی روبه‌رو می‌شویم. حالت اول این است که عرض از مبدأ برای همه مقاطع یکسان است که در این صورت، با مدل پول دیتا^{۳۴} مواجه هستیم. حالت دوم عرض از مبدأ برای تمام مقاطع متفاوت است که به این حالت پانل دیتا^{۳۵} گفته می‌شود. برای شناسایی دو حالت فوق از آزمون F لیمر استفاده می‌شود؛ بنابراین آزمون F لیمر برای انتخاب بین روش‌های رگرسیون پول دیتا (تلفیقی) و رگرسیون پانل دیتا به کار می‌رود. در آزمون F لیمر، فرضیه صفر مبتنی بر پول دیتا بودن داده‌هاست. در **جدول ۲**، مقدار آماره آزمون F لیمر و سطح احتمال آن ارائه شده است.

فرض صفر: داده‌های مورد بررسی از نوع پول هستند.

فرض مقابل: داده‌های مورد بررسی پانل هستند.

جدول ۲. نتایج آزمون F لیمر

نوع داده‌ها	نتیجه آزمون	مقدار ارزش احتمال (prob)	درجه آزادی	مقدار آماره آزمون F
پانل	رد فرض صفر	۰/۰۱۰۶	(۱۹/۶۶)	۲/۱۷۶۳۸۲

34. pool data

35. panel data

با توجه به اینکه مقدار به‌دست‌آمده از آزمون F لیمر (۰/۰۱۰۶) کمتر از ۰/۰۵ است، می‌توان فرضیهٔ صفر مبنی بر روش پولینگ دیتا بودن داده‌ها را رد کرد و روش پانل دیتا (داده‌های تابلویی) بودن داده‌های تحقیق را پذیرفت.

۲-۲-۴. بررسی آزمون هاسمن

پس از اینکه مشخص شد روش داده‌های تابلویی برای برآورد مناسب است، باید روش گردد که خطای تخمین ناشی از تغییر در مقاطع است یا اینکه در طی زمان رخ داده است. در نحوهٔ در نظر گرفتن چنین خطاهایی، با دو اثر ثابت و تصادفی مواجه می‌شوید. از آزمون هاسمن برای مشخص شدن اثرات ثابت و تصادفی استفاده می‌شود. در این آزمون، فرضیهٔ صفر آن مبتنی بر تصادفی بودن خطاهای برآوردی است. نتایج در **جدول ۳** آمده است.

فرضیات این آزمون به شرح زیر است:

فرض صفر: مدل پانل دیتا با اثرات تصادفی؛

فرض مقابل: مدل پانل دیتا با اثرات ثابت.

جدول ۳. نتایج آزمون هاسمن برای انتخاب بین اثرات ثابت و تصادفی مدل تحقیق

نوع مدل	نتیجهٔ آزمون	مقدار ارزش احتمال (prob)	درجهٔ آزادی	مقدار آمارهٔ کای اسکوتر
اثرات تصادفی	تأیید فرض صفر	۰/۱۴۹۸	۴	۶/۷۴۷۸۴۱



(منبع: یافته‌های تحقیق)

با توجه به اینکه مقدار احتمال به‌دست‌آمده از آزمون هاسمن (۰/۱۴۹۸) بیشتر از ۰/۰۵ شده است، با سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت فرض صفر مبنی بر عدم تفاوت سیستماتیک در ضرایب (مدل پانل دیتا با اثرات تصادفی) تأیید می‌شود؛ بنابراین مدل با اثرات تصادفی کارایی بیشتری از اثرات ثابت دارد. در ادامه از رگرسیون با اثرات تصادفی استفاده شده است.

۳-۴. آزمون تصریح هاسمن

شرط لازم برای برآورد سیستم معادلات هم‌زمان، اثبات درون‌زایی متغیرهای درون‌زای سیستم است. برای این منظور از آزمون هاسمن استفاده شده است. جهت آزمون درون‌زایی متغیر نرخ رشد اقتصادی در معادلهٔ کارآفرینی نوپا به این صورت عمل شده است:

ابتدا متغیر نرخ رشد GDP با استفاده از همهٔ متغیرهای برون‌زای سیستم با نرم‌افزار

اقتصادسنجی ایویوز (نسخه ۸) برآورد و مقادیر باقی‌مانده (پسماندها) ناشی از تخمین به‌صورت متغیر جداگانه در نظر گرفته می‌شود (مثلاً متغیر MOJ)؛ سپس معادله کارآفرینی نوپا نوشته شده، با استفاده از همه متغیرهای سابق به‌علاوه متغیر MOJ (به‌عنوان متغیر توضیحی جدید) برآورد می‌شود. حال اگر ضریب متغیر جدید (MOJ) معنادار باشد، نشان می‌دهد متغیر GDP در معادله کارآفرینی نوپا درون‌زاست. با انجام عملیات فوق، درون‌زایی متغیر GDP مورد تأیید قرار گرفت.

جدول ۴. نتایج آزمون درون‌زا بودن متغیر نرخ رشد اقتصادی (GDP)

نام متغیر	ضریب	مقدار ارزش احتمال (prob)
MOJ	-۹/۳۲۳۱۸۱	۰/۰۰۰۰

فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان

(منبع: یافته‌های تحقیق)

به‌دنبال آن، مشابه آنچه در بالا گفته شد، درون‌زایی متغیر شاخص کارآفرینی نوپا در معادله نرخ رشد اقتصادی تأیید شد.

جدول ۵. نتایج آزمون درون‌زا بودن متغیر کارآفرینی نوپا (TEA)

نام متغیر	ضریب	مقدار ارزش احتمال (prob)
MOJ	۱	۰/۰۰۰۰

فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان

(منبع: یافته‌های تحقیق)

پس از تأیید شدن رابطه متقابل بین متغیرهای نرخ رشد اقتصادی و شاخص کارآفرینی نوپا، به تخمین این معادلات از طریق سیستم معادلات هم‌زمان پرداخته شده است.

۴-۴. تخمین مدل به روش سیستم معادلات هم‌زمان و روش ۲SLS

برای حل مدل‌های اقتصادسنجی شامل تعداد زیادی معادله، روش ۲SLS روشی اقتصادی‌تر (باصرفه‌تر) را ارائه می‌کند؛ زیرا این روش در عمل کاربرد گسترده‌ای دارد. کاربرد این روش آسان است؛ چراکه تمام آنچه برای آن نیاز داریم، دانستن تعداد متغیرهای برون‌زا و ازپیش تعیین‌شده در سیستم بدون نیاز به دانستن تعداد سایر متغیرهای سیستم است (گجراتی، ۱۳۷۸).

جدول ۶ تخمین مربوط به معادله نرخ رشد اقتصادی را نشان می‌دهد. در این معادله، نرخ

رشد اقتصادی متغیر وابسته مدل، و متغیرهای شاخص کارآفرینی نوپا (TEA)، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI)، تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی (CAP) و کل نیروی کار (LFT) متغیرهای مستقل تلقی شده است.

جدول ۶. نتایج تخمین معادله نرخ رشد اقتصادی با استفاده از سیستم معادلات هم‌زمان

$$GDP = C + \beta_1 TEA_{it} + \beta_2 FDI_{it} + \beta_3 CAP_{it} + \beta_4 LFT_{it} + U_{it}$$

Method: Two-Stage Least Squares

نام متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t	P-value
عرض از مبدأ (C)	-۱/۲۰۲۱۸۹	۰/۸۳۷۸۵۵	-۱/۴۳۶۰۳۶	۰/۱۵۶۱
TEA	۰/۰۸۱۴۵۷	۰/۰۱۴۸۶۴	۵/۴۸۰۰۲۴	۰/۰۰۰۰
FDI	-۰/۳۲۴۴۴۹	۰/۰۵۰۱۲۰	۶/۴۷۳۴۶۱	۰/۰۰۰۰
CAP	-۰/۱۰۱۵۳۳	۰/۰۳۴۲۵۱	۲/۹۶۴۳۹۶	۰/۰۰۴۳
LFT	۰/۰۰۰۰۰۰۰۰۳	۰/۰۰۰۰۰۰۰۰۹۴	۳/۱۹۲۷۹۷	۰/۰۰۲۲
آماره‌های رگرسیون	$R^2 = ۰/۸۶۳۴۳۶$	$F = ۸۴/۵۴۵۲۷$	احتمال آماره F = ۰/۰۰۰۰۰۰	$D.W = ۱/۴۸۹۸۶۰$

نتایج جدول ۶ نشان‌دهنده این است که ضرایب متغیرهای مستقل از نظر آماری معنادار بوده و آماره F معناداری کل رگرسیون را تأیید می‌کند. از سوی دیگر R^2 بیان می‌کند که بیش از ۸۶ درصد تغییرات در متغیر وابسته از طریق متغیرهای مستقل مدل قابل توضیح است.

با توجه به نتایج حاصل از تخمین معادله رشد اقتصادی در جدول ۶، در این معادله ضریب متغیر شاخص کارآفرینی نوپا (TEA) در سطح ۹۵ درصد معنادار است. علامت مثبت این ضریب به این معناست که با افزایش کارآفرینی نوپا، رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه افزایش می‌یابد. از آنجا که اغلب کشورهای مورد مطالعه جزو کشورهای در حال توسعه‌اند و بیشتر اقتصادهای نمونه منتخب کارایی‌محور و برخی اقتصادها منبع‌محور هستند، تأثیر مثبت افزایش کارآفرینی بر رشد اقتصادی و درآمد سرانه را می‌توان با اتکا به نظریه‌های ارتقای بهره‌وری اقتصادی (Lever & Nieuwenhuijsen, 1999, pp. 111-128; Aghion et al., 1998, pp. 130-148) توضیح داد. البته ایجاد اشتغال و درآمدزایی

کسب و کارهای نوظهور در کارآفرینی نوپا می‌تواند مستقیماً نیز تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی داشته باشد (Acs et al., 2005, pp. 132-145; Salgado Banda, 2004, pp. 25-34). ولی اثر غیرمستقیم ناشی از ارتقای کارایی بخش‌ها و بنگاه‌ها و بهبود بهره‌وری عوامل تولید اقتصاد پررنگ‌تر است. از سوی دیگر مطابق نظریه رقابت‌پذیری، ظهور کسب و کارهای نوپا (Kirzner, 1973, pp. 1-243; Eliasson, 1996, pp. 125-140) نیز به‌طور غیرمستقیم کیفیت و کمیت تولیدات مولد اقتصاد را بهبود می‌بخشد و بر رشد اقتصادی تأثیر مثبت دارد. ظهور و توسعه کسب و کارهای نوپا و نوین که تاحدودی بر رقابت دانش‌محور و فناوری‌محور حرکت می‌کنند، با پیشرفت در فناوری‌های تولید مطابق نظریه شومپیتر (1934, pp. 128-150) و مایرس و موهنن (2001, pp. 44-59) در بلندمدت به رشد اقتصادی می‌انجامند. از آنجایی که حوزه تحقیق حاضر مربوط به کشورهای درحال توسعه است، تأثیر مثبت و معنادار کارآفرینی نوپا بر رشد اقتصادی این کشورها منطقی است؛ زیرا این کشورها دارای سازمان‌های بزرگ تجاری با شیوه تولید مدرن نیستند که کارآفرینان نوپا نتوانند با آن‌ها رقابت کنند.

در بررسی رابطه سرمایه‌گذاری خارجی در مدل تحقیق، علامت ضریب برآوردی متغیر FDI مثبت و معنادار به‌دست آمده است. مثبت بودن این ضریب نیز نشان می‌دهد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب دارد و با افزایش آن، رشد اقتصادی نیز فزونی می‌گیرد. جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای درحال توسعه می‌تواند باعث ایجاد فرصت‌های تجاری جدید، افزایش درآمدهای مالیاتی دولت، افزایش ظرفیت تولید و بهره‌وری و آموزش نیروی کار شود و متعاقباً به‌کارگیری نیروی کار موجب کاهش بیکاری می‌شود که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر رشد اقتصادی تأثیر مثبت می‌گذارد.

براساس **جدول ۶**، ضریب متغیر تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی (CAP) مثبت و معنادار است که این نتیجه نشان می‌دهد با افزایش سرمایه، رشد اقتصادی نیز افزایش می‌یابد. با توجه به اینکه کشورهای منتخب پژوهش در شمار کشورهای درحال توسعه‌اند، افزایش انباشت سرمایه ثابت ناخالص، از جمله ماشین‌آلات و تجهیزات پیشرفته تولیدی و استفاده درست و بهینه از آن‌ها، به تولید و بهره‌وری بیشتر بنگاه‌های تولیدی این دسته از کشورها کمک می‌کند و با افزایش صادرات غیرنفتی، در رشد اقتصادی تأثیرات چشمگیری می‌گذارد.

جدول ۷ معادله مربوط به شاخص کارآفرینی نوپاست که متغیرهای نرخ رشد اقتصادی، شاخص مقررات کسب و کار و هزینه دولت در آموزش متغیرهای مستقل این معادله به‌شمار می‌روند.

جدول ۷. نتایج تخمین معادله شاخص کارآفرینی نوپا با استفاده از سیستم معادلات همزمان

$$TEA = C + \beta_1 GDP_{it} + \beta_2 DB_{it} + \beta_3 ED_{it} + U_{it}$$

Method: Two-Stage Least Squares

نام متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t	P-value
عرض از مبدأ (C)	۳۷/۶۰۵۹۸	۱۸/۸۹۴۶۷	۱/۹۹۰۲۹۶	۰/۰۵۶۸
GDP	۴/۲۸۹۲۷۷	۰/۷۴۴۴۵۰	۵/۷۶۱۶۷۰	۰/۰۰۰۰
DB	۰/۵۴۳۶۷۹	۰/۱۰۷۸۲۶	۵/۰۴۲۲۰۵	۰/۰۰۰۰
ED	۰/۴۲۲۰۸۲	۰/۱۸۷۴۲۴	۲/۲۵۲۰۲۰	۰/۰۳۲۷
آماره رگرسیون	$R^2 = ۰/۸۳۵۶۳۴$	$F = ۱۵/۰۹۷۳۰$	$F = ۰/۰۰۰۰۰۶$	$D.W = ۲/۱۶۸۶۰۳$

فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان

(منبع: یافته‌های تحقیق)

در قسمت آماره‌های رگرسیون **جدول ۷**، مقدار R^2 نشان می‌دهد متغیرهای مستقل مدل، یعنی نرخ رشد اقتصادی، شاخص مقررات کسب‌وکار و هزینه دولت در آموزش، در مجموع بیش از ۸۳ درصد تغییرات متغیر وابسته، یعنی شاخص کارآفرینی نوپا، را توضیح می‌دهند. همچنین میزان برآوردی آماره $F = ۱۵/۰۹۷۳۰$ است که با توجه به توضیحاتی که در قسمت قبل داده شد، چون این میزان از ۴ بزرگ‌تر است، می‌توان گفت تمام ضرایب برآوردی متغیرهای مستقل در حالت کلی بر کارآفرینی نوپا تأثیر گذارند.

طبق نتایج تخمین معادله کارآفرینی (**جدول ۷**)، نرخ رشد اقتصادی (GDP) که در این معادله متغیر مستقل است، تأثیر مثبت و معناداری بر کارآفرینی نوپا دارد. درحالی که اکثر تحقیقات مرتبط با پژوهش حاضر رابطه یک‌طرفه تأثیر کارآفرینی بر رشد اقتصادی کشورهای درحال توسعه را بررسی کرده‌اند، در این تحقیق با استفاده از سیستم معادلات همزمان رابطه دوسویه رشد اقتصادی و کارآفرینی کشورهای درحال توسعه ارزیابی شده است. بنابراین نتایج پژوهش حاضر متفاوت با یافته‌های پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه رابطه دوطرفه کارآفرینی و رشد اقتصادی است. در توجیه منطقی این یافته می‌توان گفت سطح زندگی بالاتر خانوارها منجر به دسترسی بهتر به استانداردهای آموزشی فرزندان می‌گردد و فرزندان نیز امکانات مادی و معنوی بیشتری در حمایت از ایده‌های کارآفرینی و پیگیری آن‌ها در عرصه نوآوری‌ها و خلاقیت‌های فردی و گروهی خویش خواهند یافت. این مجال با شکل‌دهی به استارت‌آپ‌های فناوری‌محور و حمایت‌های خصوصی و دولتی در تجاری‌سازی مقیاس تولید آن‌ها منجر به تقویت انگیزه خلاقیت‌پروری نسل‌های جدید و اعتمادبه‌نفس در موفقیت کارآفرینی‌های نوپا می‌گردد.

شواهد تجربی نیز نشان می‌دهد کشورهای توسعه‌یافته که به لحاظ رشد اقتصادی در وضعیت مطلوبی به سر می‌برند، دارای کارآفرینی نوآورانه بیشتری هستند. در واقع این کشورها با فراهم کردن امکانات زیرساختی، مالی و قوانین کسب و کار مناسب برای افراد خلاق، باعث ایجاد انگیزه شده‌اند و این خود، کارآفرینی در این جوامع را تشویق می‌کند. همچنین سطوح بالای رشد اقتصادی فرصت‌های تجاری جدیدی را ایجاد می‌کند که این بدان معناست که کارآفرینان ممکن است علاقه‌مند به دسترسی به بازارهای جدید با عرضه محصولات رقابتی و استفاده از فرصت‌های کسب و کار باشند. همچنین در کشورهای توسعه‌یافته شرایط رفاهی و دسترسی به امکانات و زیرساخت‌ها جهت بروز و ظهور قابلیت‌ها و خلاقیت‌های فردی و اجرایی کردن ایده‌های کسب و کار فردی و سازمانی فراهم است. تفسیر اثربخشی رشد بر کارآفرینی نوآور محور به‌عنوان نیروی محرک جذاب با افزایش تقاضای بازار به‌منزله نیروی برانگیزاننده نوآوری کارآفرینان و توسعه فعالیت‌های آن‌ها تناسب دارد؛ در حالی که اثربخشی متغیر رشد بر کارآفرینی نوپا در کشورهای در حال توسعه بیشتر از جنبه توانمندسازی مالی و فراهم شدن بهتر دسترسی به زیرساخت‌ها، منابع و امکانات لازم در مقیاس فردی و سازمانی جهت تشکیل کسب و کارهای نوپا قابل تفسیر است که از این جهت بین کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته چنین تفاوت ماهیتی وجود دارد.

متغیر مستقل شاخص مقررات کسب و کار (DB) نیز دارای ضریب مثبت و معنادار است که نشان می‌دهد با بهبود شاخص مقررات کسب و کار، کارآفرینی نوپا توسعه می‌یابد. در واقع زمانی که موانع اداری برای ایجاد کسب و کار کاهش یابد، مقررات دست‌وپاگیر و زمان‌بر از بین برود، شفافیت اطلاعات بازار کار و پیش‌بینی آینده کسب و کار برای کارآفرین میسر شود و سرانجام سیاست‌های تشویقی دولت مانند کاهش مالیات، وام‌های کم‌بهره و بازپرداخت طولانی‌مدت افزایش یابد، کارآفرین با امید و انگیزه بیشتری وارد بازار کار می‌شود.

ضریب متغیر هزینه دولت در آموزش (ED) نیز برای معادله کارآفرینی مثبت و معنادار شده است؛ به این معنا که هرچه دولت در زمینه آموزش با برنامه‌ریزی درست و هدفمند هزینه‌هایی را صرف کند و در جهت آموزش کارآفرینی در مراکز آموزشی مانند مدارس و دانشگاه‌ها بکوشد، انگیزه، نوآوری و خلق ایده‌های جدید و در نتیجه کارآفرینی نوپا افزایش می‌یابد. از سویی به دلیل اینکه اکثر مردم کشورهای در حال توسعه شناخت، دانش و آگاهی استفاده از ظرفیت‌های بومی خود را ندارند، باید این آگاهی‌های به آن‌ها آموزش داده شود که خود کمک بزرگی به پرورش کارآفرینان است. افزایش قدرت رقابت و توسعه نوآوری به ارتباط مستقیم آموزش و پرورش و کارآفرینی مربوط می‌شود. بنابراین برای پروراندن یک نسل از مدیران آموزش‌دیده به‌منظور توسعه فناوری‌های جدید، آموزش کارآفرینی ضروری است و این آموزش به‌موازات توسعه علم و فناوری حرکت می‌کند. همچنین آموزش و پرورش کارآفرینان به استفاده بهینه از برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی و کنترل روند

کلی کسب‌وکار کمک می‌کند. بنابراین نیاز به آموزش‌دهی دائم کارآفرینان، با تمرکز بر کسانی که در فرایند تولید کار کرده‌اند، وجود دارد. از این رو رشته‌های دانشگاهی و مراکز آموزش عالی باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که در آن افراد ضمن کسب دانش و معرفت نظری، دارای اطلاعات تخصصی مناسب و روحیه خلاقیت و نوآوری باشند تا از این طریق بتوانند فرصت‌های اقتصادی جدید پدید آورند.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به نتایج جدول ۶ در معادله مربوط به کارآفرینی نوپا، از آنجا که ضریب شاخص مقررات کسب‌وکار مثبت است، می‌توان گفت این متغیر تأثیر مثبت و معناداری بر کارآفرینی نوپا داشته است. همچنین با توجه به اینکه متغیر کارآفرینی نوپا، به‌عنوان متغیر مستقل در معادله نرخ رشد اقتصادی، دارای ضریب مثبت و معنادار است، تأثیر مثبت و معناداری را بر رشد اقتصادی نشان می‌دهد (جدول ۵). بنابراین شاخص مقررات کسب‌وکار با تأثیر مثبت و معنادار بر کارآفرینی نوپا به‌طور غیرمستقیم بر رشد اقتصادی اثر می‌گذارد. مطابق یافته‌های پژوهش و نتایج حاصل از معادله رشد که در آن شاخص کارآفرینی نوپا متغیر مستقل در معادله رشد اقتصادی است، ضریب متغیر کارآفرینی نوپا مثبت است که نشان می‌دهد شاخص کارآفرینی نوپا تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی دارد. همچنین ضریب شاخص مقررات کسب‌وکار، به‌عنوان متغیر مستقل در معادله کارآفرینی، مثبت و معنادار است. بنابراین شاخص مقررات کسب‌وکار تأثیر مثبت و معناداری بر شاخص کارآفرینی نوپا دارد.

ارتباط مثبت میان شاخص مقررات کسب‌وکار و رشد اقتصادی بیانگر آن است که هر قدر در کشور مقررات سالم و کارآمد و فضای مناسب کسب‌وکار برقرار باشد، محیط رقابتی ایجاد می‌گردد و میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بیشتر می‌شود که این موضوع خود رشد اقتصادی را در پی دارد. از سوی دیگر رابطه مثبت میان شاخص مقررات کسب‌وکار و کارآفرینی نوپا نشان می‌دهد بهبود شرایط محیط کسب‌وکار و کاهش بوروکراسی بستر را برای ورود کارآفرینان به عرصه فعالیت‌های اقتصادی مهیا می‌کند و این فرایند به بهبود رشد اقتصادی یاری می‌رساند. در توضیح آن می‌توان گفت دولت‌ها با فراهم آوردن محیط امن سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و ایجاد انگیزه (مانند وام‌های کم‌بهره، مدت بازپرداخت طولانی، تخفیف‌های مالیاتی و...) برای کارآفرینان، مسیر ورود بخش خصوصی را به عرصه فعالیت‌های اقتصادی هموار می‌کنند که این امر با پویایی مولد کارگزاران اقتصادی مسیر رشد اقتصادی پایدار را تضمین می‌کند. همچنین ضریب مثبت نیروی کار رابطه مستقیم عرضه نیروی کار و افزایش رشد اقتصادی را گواهی می‌دهد. نیروی انسانی در فرایند تولید و خدمات‌رسانی نقش مهمی دارد؛ زیرا پیشرفت تکنولوژی بدون نیروی انسانی کارآمد فاقد کارایی است. از

طرفی ضریب مثبت موجودی سرمایه یا همان سرمایه ثابت نشان می‌دهد علاوه بر نیروی کار، موجودی سرمایه نیز نقش اساسی در ارتقای رشد اقتصادی دارد؛ چراکه موجودی سرمایه بستر لازم برای رشد قوه ابتکار کارآفرینان را جهت ارتقای رشد اقتصادی مهیا می‌کند. در واقع اگر کارآفرین سرمایه فیزیکی لازم را داشته باشد، راحت‌تر می‌تواند در زمینه ایده‌های کاری خود تصمیم بگیرد و آن ایده‌ها را بدون دغدغه عملیاتی سازد. از سوی دیگر ضریب مثبت متغیر هزینه دولت در آموزش نیز نشان می‌دهد آموزش مهم‌ترین و کلیدی‌ترین نقش را در توسعه کارآفرینی دارد. ضروری است حاکمیت نظام آموزشی با برنامه ریزی و مدیریت راهبردی بهینه مؤسسات آموزشی، اعم از دبیرستان‌ها، مراکز آموزش حرفه‌ای، دانشکده‌ها و دانشگاه‌ها، نظام مدیریت دانش و تحقیقات را در اقتصاد سازمان‌دهی نماید و ضمن آموزش‌های لازم، توانمندسازی عملیاتی نیروی انسانی را جهت توسعه کارآفرینی فراهم کند.

با توجه به یافته‌های پژوهش، پیشنهادهای راهبردی زیر ارائه می‌شود:

۱. سیاست غالب دولت و حاکمیت در جهت اصلاح و روان‌سازی مقررات کسب‌وکار باشد؛ به طوری که با ساده‌سازی فرایندهای اخذ مجوز، تسهیل فرایندهای بوروکراتیک با آیین‌نامه‌ها و شیوه‌نامه‌های ساده‌سازی شده و تثبیت شده با کاستن از هزینه‌های مبادلاتی و موانع آغاز کسب‌وکارها یا راه‌اندازی ساده، سریع و کم‌هزینه امور مربوط به محیط کسب‌وکار ضمن کاستن از هزینه‌ها و موانع کسب‌وکارها و کارآفرینی، امکان برنامه‌ریزی بلندمدت را فراهم کند و مشوقی برای کارآفرینی رسمی شود و به واسطه آن به رشد اقتصادی پایدار منجر گردد.

۲. توسعه کارآفرینی به‌ویژه کارآفرینی نوپا که عمدتاً در غالب شرکت‌های دانش‌بنیان و با درجه نوآوری بالا، ضمن بازبینی ساختار تولید نوآورانه، کارآمد و بهره‌ور، در مقایسه با کسب‌وکارهای قدیمی که اغلب برپایه سرمایه انسانی و سرمایه فکری پایه‌گذاری می‌گردد، بهتر عمل کرده و انتظار می‌رود نرخ رشد اقتصادی را به صورت معناداری افزایش دهد. طراحی نظام ملی و راهبردی توسعه کارآفرینی از طریق گسترش سامانه‌های اطلاعاتی جهت پیگیری درخواست مجوزها، شناسایی فرصت‌ها و ظرفیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری سرزمینی، پیگیری تسهیلات مالی مورد نیاز ایشان و عارضه‌یابی و پشتیبانی تا مرحله شتاب‌دهندگی و بلوغ کسب‌وکار توصیه می‌گردد.

۳. سیاست‌های حمایتی از کسب‌وکارهای داخلی و نوپا در غالب فرایندهای بهبود محیط کسب‌وکار مسلماً سرمایه‌گذاری خارجی را نیز جذب می‌کند و از این طریق ضمن انتقال تکنولوژی خارجی، شیوه‌های مدیریتی نوین، باز شدن دروازه‌های تبادلات علم و فناوری و تجارت کالایی و خدماتی، رشد اقتصادی را هم به صورت مثبت و مضاعف متأثر می‌کند.

بنابراین اصلاح و روان‌سازی هرچه بیشتر ورود سرمایه‌گذاری خارجی با در نظر گرفتن تمام الزامات اقتصادی، سیاسی و امنیتی توصیه می‌گردد.

۴. طراحی و اجرای نظام ملی مهارت‌آموزی، کارآموزی و آموزش تخصصی کارآفرینی و ایجاد کسب‌وکارها در سطوح مختلف دانشگاه‌ها، پارک‌های علم و فناوری، هنرستان‌ها و علمی کاربردی‌ها در جهت عرضه سرمایه انسانی ماهر، عملیاتی و خلاق و ایده‌پرداز که هریک به‌منزله کارآفرین مولد در تمام سطوح انفرادی، شرکتی، سازمانی و اجتماعی در ثروت‌آفرینی و خلق ارزش‌افزوده برای جامعه مؤثر هستند، به‌عنوان نقشه راه توسعه انسانی حامی تولید اقتصاد توصیه می‌گردد.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی

این مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان

تمام نویسندگان در آماده‌سازی این مقاله مشارکت کرده‌اند.

تعارض منافع

بنابه اظهار نویسندگان، در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی‌رایت

طبق تعهد نویسندگان، حق کپی‌رایت (CC) رعایت شده است.

References

- Abdollahi, F., Mehrabani, F., & Basirat, M. (2013). "Comparing the impact of business environment indexes on economic development: the cases of Iran and OECD countries". *The First Electronic National Conference on Economic Prospects of Iran through National Production Support Approach*. Isfahan, Iran. (Persain)
- Acemoglu, D., Johnson, S., & Robinson, J. A. (2001). "The colonial origins of comparative development: an empirical investigation". *American Economic Review*, 91(5), 1369-1401.
- (2005). "Institutions as a fundamental cause of long-run growth". *Handbook of Economic Growth*, 1(8), 385-472.
- Acs, Z. J., Audretsch, D. B., Braunerhjelm, P., & Carlsson, B. (2005). "Growth and entrepreneurship: an empirical assessment". *Papers on Entrepreneurship, Growth and Public Policy*, 3205, 132-145.
- Aghion, P., Howitt, P., Brant-Collett, M., & García-Peñalosa, C. (1998). *Endogenous growth theory*. Cambridge, MA: MIT Press.
- Aidis, R., Estrin, S., & Mickiewicz, T. (2008). "Institutions and entrepreneurship development in Russia: A comparative perspective". *Journal of Business Venturing*, 23(6), 656-672. [DOI: 10.1016/j.jbusvent.2008.01.005]
- Alexandrova, M. (2004). "Entrepreneurship in a transition economy: The impact of environment on entrepreneurial orientation". *Problems and Perspectives in Management*, 2(2), 140-148. [DOI: 10.5539/ibr.v6n1p153]
- Amaghouss, J., & Ibourk, A. (2013). "Entrepreneurial activities, innovation and economic growth: the role of cyclical factors: evidence from oecd countries for the period 2001-2009". *International Business Research*, 6(1), 153-162.
- Aparicio, S., Urbano, D., & Audretsch, D. (2016). "Institutional factors, opportunity entrepreneurship and economic growth: Panel data evidence". *Technological Forecasting and Social Change*, Publisher Elsevier, 102(12), 45-61.
- Bakhtiari, S., Shayesteh, A. (2012). "Analyzing the impact of improving business environment on the economic development of some countries: a focus on Iran". *Journal of Economic Sciences*, 6(19), 176-204. (Persain)
- Dawson, J. W. (2006). "Regulatory, investment and economic growth a cross countries". *Journal of Cato J*, 26(3), 489.
- Dehghan Shabani, Z., & Afarinesh Far, S. (2015). "Analyzing the impact of business

- environment on attracting direct foreign investors in Iran and some selected countries". *Iranian Journal of Economic Research*, 20(62), 1-30. (Persain)
- Djankov, S., McLiesh, C., & Ramalho, R. M. (2006). "Regulation and growth". *Economics Letters*, 92(3), 395-401. [DOI: [10.1016/j.econlet.2006.03.021](https://doi.org/10.1016/j.econlet.2006.03.021)]
- Eliasson, G. (1996). "Spillovers, integrated production and the theory of the firm". *Journal of Evolutionary Economics*, 6(2), 125-140.
- Fritsch, M. (2008). "How does new business formation affect regional development? Introduction to the special issue". *Small Business Economics*, 30, 1-14.
- Galindo, M. Á., & Méndez, T. M. (2014). "Entrepreneurship, economic growth, and innovation: Are feedback effects at work?". *Journal of Business Research*, 67(5), 825-829. [DOI: [10.1016/j.jbusres.2013.11.052](https://doi.org/10.1016/j.jbusres.2013.11.052)]
- Gillanders, R., & Whelan, K. (2010). "Open for business? Institutions, business environment and economic development". *Publisher University College Dublin. School of Economics*, 1-26. [DOI: [10.1111/kykl.12067](https://doi.org/10.1111/kykl.12067)]
- Gojarati, D. (1999). *The principles of econometrics* (translated into Farsi by Hamid Abrishami) (vol. 2). Tehran: Tehran University Publication. (Persain)
- Haidar, J. I. (2012). "The impact of business regulatory reforms on economic growth". *Journal of the Japanese and International Economies Elsevier*, 26(3), 285-307. [DOI: [10.1016/j.jjie.2012.05.004](https://doi.org/10.1016/j.jjie.2012.05.004)]
- Hall, R. E., & Jones, Ch. I. (1999). "Why Do Some Countries Produce So Much More Output Per Worker Than Others?". *Quarterly Journal of Economics*, 114(1), 83-116. [DOI: [10.3386/w6564](https://doi.org/10.3386/w6564)]
- Hanusch, M. (2012). "The doing business indicators, economic growth and regulatory reform". *Browser Download This Paper*, 1-19.
- Hekmati Farid, S., Mohammadzadeh, Y., & Khazali, D. (2016). "The effect of improving business environment and respecting intellectual property on the economic development of the countries with mid-high GDP". *Quarterly Journal of Economic Growth and Development Research*, 6(22), 119-130. (Persain)
- Holcombe, R. G. (1998). "Entrepreneurship and economic growth". *Quarterly Journal of Austrian Economics*, 1(2), 45-62.
- Hosseinzadeh Bahreini, M. H., Falahi, M. A., & Erfani Jahanshahi, F. (2012). "The impact of business regulations on economic development: the case of some developing and developed countries". *Journal of Economy and Regional Development*, 19(3), 101-121.

(Persain)

- Hosseinzadeh, H. (2018). "The impact of improving business environment on the economic development of some developing countries". *Quarterly Journal of the Macro and Strategic Policies*, 6(23), 498-517. (Persain)
- Kirzner, I. M . (1973). *Competition and entrepreneurship*. Publisher University of Chicago Press.
- Klapper, L., & Love, I. (2011). "The impact of business environment reforms on new firm registration". *World Bank Policy Research working paper*, 33(2), 60-89.
- Lever, M. H. C., & Nieuwenhuijsen, H. R. (1999). *The impact of competition on productivity in Dutch manufacturing. Innovation, Industry Evolution and Employment*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Li, H., Yang, Z., Yao, X., & Zhang, J. (2009). "Entrepreneurship and growth: Evidence from china". *Discussion papers*, 22. [DOI: [10.1016/j.chieco.2012.04.015](https://doi.org/10.1016/j.chieco.2012.04.015)]
- Lucas, R. E. (1988). "On the mechanics of economic development". *Journal of Monetary Economics*, 22(1), 3-42. [DOI: [10.1016/0304-3932\(88\)90168-7](https://doi.org/10.1016/0304-3932(88)90168-7)]
- Mafoozi, B., Tabatabaai Nasab, Z., & Abtahi, Y. (2018). "The impact of institutional quality and market pressure on direct foreign investment: an international study". *Quarterly Journal of the Macro and Strategic Policies*, 6(24), 686-709. (Persain)
- Mairesse, M., & Mohnen, P. (2001). "To be or not to be innovative: an exercise in measurement". *National Bureau of Economic Research. NBER Working*, 44-59.
- Manki, N., Romer, G., & Weil, D. (1992). "A contribution to the empirics of economic growth The Quarterly". *Journal of Economics*, 107(2) 407-437.
- Martin, M. G., Picazo, M. T. M., & Navarro, J. L. A. (2010). "Entrepreneurship, income distribution and economic growth". *International Entrepreneurship and Management Journal*, 6(2), 131-141.
- Mehrabani, F., Abdolahi, F., & Basirat, M. (2016). "The impact of business environment on Iran's economic development, MENA and OECD countries using GMM". *Quarterly Journal of the Macro and Strategic Policies*, 4(13), 65-96. (Persain)
- Messaoud, B., & Teheni, Z. E. G. (2014). "Business regulations and economic growth: What can be explained?". *International Strategic Management Review*, 2(2), 69-78. [DOI: [10.1016/j.ism.2014.03.001](https://doi.org/10.1016/j.ism.2014.03.001)]
- Najarzadeh Nooshabadi, A., Mehranfar, J., & Tabrasi, M. (2012). "The role of productive and

- non-productive entrepreneurship on economic development". *Journal of Planning and Budget*, 17(3), 115-130. (Persain)
- North, D. C. (1994). "Economic Performance through Time". *The American Economic Review*, 84(3), 359-368. from: www.jstor.org/stable/2118057
- Nyström, K. (2010). "Business Regulation and Red Tape in the Entrepreneurial Economy, CESIS and the Division of Economics". *KTH and the Ratio Institute, Stockholm*, 225.
- Rodrik, D., Subramanian, A., & Trebbi, F. (2004). "Institutions rule: The primacy of institutions over geography and integration in economic development". *Journal of Economic Growth*, 9(18) 131-165. from: <https://www.jstor.org/stable/40212696>
- Romer, P. M. (1986). "Increasing Returns and Long-Run Growth". *Journal of Political Economy*, 94(5), 1002-1037. from: <https://www.jstor.org/stable/1833190>
- (1990). "Endogenous Technical Change". *Journal of Political Economy*, 98(1), 71-102.
- Sabahi, A., Naji Meidani, A. A., & Soleimani, A. (2013). "Analyzing the impact of entrepreneurship on the economic development of some countries". *Quarterly Journal of Economic Growth and Development Research*, 3(11), 9-18. (Persain)
- Salgado Banda, H. (2004). *Measures and Determinants of Entrepreneurship: An Empirical Analysis*, discussion paper in economics-birkbeck college, University of London.
- Schumpeter, J. A. (1934). *Theory of economic development*. Cambridge: Harvard University Press. vol. 25, no.12, pp.128-150.
- Shirley, M. M. (2008). "Institutions and development. Handbook of new institutional economics". *Springer Berlin Heidelberg*, 35(5), 611-638.
- Solow, R. M. (1956). "A Contribution to the Theory of Economic Growth Quarterly". *Journal of Economics*, 70(1), 65- 94. [DOI: [org/10.2307/2118477](https://doi.org/10.2307/2118477)]
- Urbano, D., & Aparicio, S. (2016). "Entrepreneurship capital types and economy growth: International evidence". *Technological Forecasting and Social Change*, 102, 34-44. [DOI: [10.1016/j.techfore.2015.02.018](https://doi.org/10.1016/j.techfore.2015.02.018)]
- Van Stel, A., Carree, M. A., & Thurik, R. T. (2004). "The effect of entrepreneurship on national economic growth: An analysis using the GEM database". *Papers on Entrepreneurship, Growth and Public Policy*, 3404.1-22. from: <https://www.jstor.org/stable/i40008333>
- Van Stel, A., Storey, D. J., & Thurik, A. R. (2007). "The effect of business regulations on nascent and young business entrepreneurship". *Small Business Economics*, 28(2), 171-

186. from: <http://dx.doi.org/10.1007/s11187-006-9014-1>

Williamson, O. E. (1998). "The institutions of governance". *The American Economic Review*, 88(2), 75-79. from: <http://www.jstor.org/stable/116896>

Zali, et al. (2015). "The research project of entrepreneurship indexes in Iran based on global entrepreneurship model". *The 8th Report of GEM Research (2015)*. Ministry of Cooperatives Labor and Social Welfare, The Global Entrepreneurship Office of Iran, Faculty of Entrepreneurship. (Persain)